

حدیث شریف

برای صنف هفتم

مؤلف : مولوی ولی الحق صدیقی (دیوبندی)


لا اله الا الله محمد رسول الله

حدیث شریف

برای صنف هفتم

مؤلف : مولوی ولی اسحق صدیقی (دیوبندی)

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

رَبِّ زِدْنِی عِلْمًا

قَالَ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَسَلَّمَ

فرموده است حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم)

رَضِیتُ بِاللهِ رَبًّا وَّ

راضی هستم که الله پروردگار ما است.

بِالْاِسْلَامِ دِینًا وَّ

اسلام دین ما است.

بِمُحَمَّدٍ نَّبِیًّا وَّرَسُولًا

محمد (صلی الله علیه وسلم) نبی و رسول ما است.

بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیم

اَلحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِی خَلَقَ الاِنسانَ وَجَعَلَهُ اَکرَمَ الخَلائِقِ بِالعِلمِ وَ الکَرَمِ وَجَعَلَ اُمَّةَ مُحَمَّدٍ «ص» خَیرَ الاُمَمِ وَاَمَرَهُم بِالدَّعوَةِ وَ الاِرشادِ وَالجِهادِ المُعَظَّمِ وَالصَّلوٰةُ وَ السَّلامُ عَلٰی سَیِّدِ الاَنبِیاءِ وَمُعَلِّمِ البَشَرِ وَعَلٰی آلِهِ وَاَصحابِهِ اَجمَعِین.

امابعد :

از بدو آغاز جهاد مقدس اسلامی در کشور، استادان، علماء و دانشمندان ما توجه جدی خویش را در ساحات مختلف رشد فرهنگ اسلامی، تحقق اهداف علمی شاگردان معارف و استفاده از مزایای علم و دانش مبذول داشته و با نیز تیب با وصف شرایط ضیق، و وضع ناگوار مهاجرت با ثبات رسانیدند که ملت غیور و قهرمان افغانستان توانسته است مبارزه شمشیر و قلم هر دو را پهلوی هم در طول یازده سال گذشته ادامه دهند.

مرکز تعلیمی افغانستان که پرسونل و کارکنان آنرا اشخاص ورزیده و لایق تنظیمهای محترم مختلف جهادی تشکیل میدهد بنوبهٔ خود کوشیده است تا پروگرام درسی مدارس داخل کشور را با معیارهای علمی و شرایط کنونی عیار نموده کتب درسی مرحلهٔ ابتدائیه و محتویات آنرا با استفاده از میتود های قبول شده تعلیمی تهیه و بمعرض تطبیق قرار دهند. واکنون که بفضل خداوند متعال تهیه و طبع کتب درسی مرحلهٔ ابتدائیه به اتمام رسیده و بیاری خداوند بزرگ مرحلهٔ متوسط و ثانوی را آغاز مینماید، باز هم وظیفهٔ علمی خود را در تهیهٔ -

یک پروگرام تعلیمی بهتر که با سائر موازین علمی و اساسات تعلیمی تطابق داشته باشد فراموش ننموده کماکان فی السابق در تهیه و تدوین کتب درسی با استفاده از پروگرام های تعلیمی سائر تنظیمهای جهادی سعی بلیغ بخرج داده است.

مرکز تعلیمی افغانستان وظیفه خود میداند تا از استادان دانشمند و سائر کارکنان محترم مدیریت نصاب تعلیمی که در بوجود آوردن یک نصاب تعلیمی اسلامی موحد، و مطابق با موازین علمی از هیچگونه ایثار و فداکاری دریغ نورزیده اند ابراز امتنان و تشکر نموده موفقیت مزیدشانرا درراه خدمت به علم و معارف کشور آرزو مینماید.

امیدواریم نسل جوان و آینده کشور در نتیجهٔ راهنمائی های خردمندانه و عالمانهٔ استادان فاضل مدارس کشور از آن استفادهٔ اعظمی نموده، تا برای افغانستان نوین که یک افغانستان اسلامی آزاد، آباد و پیشرفته خواهد بود عضو مفید بار آیند.

ومن الله التوفیق

مرکز تعلیمی افغانستان

فهرست مندرجات

بسم الله الرحمن الرحيم

(۱) اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَرْسَلَ رَسُوْلَهٗ بِالْهُدٰی وَدِیْنِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهٗ عَلَی الدِّیْنِ كُلِّهٖ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُوْنَ وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی خَیْرِ خَلْقِهٖ وَعَلٰی اٰلِهٖ وَاَصْحَابِهٖ اَجْمَعِیْنَ ۞

تعریف، موضوع وغرض علم حدیث

تعریف علم حدیث :

حدیث در لغت به معنای : جدید ونو است .

و در اصطلاح ، عبارت از علمی است که در آن از گفتار ، کردار ، وتقریرات آنحضرت صلّی الله علیه وسلّم بحث کرده می شود : وهم چنان بر گفتار ، کردار ، وتقریرات صحابی[1] وتابعی[2] نیز اطلاق حدیث می شود .

معنی تقریر این است که شخصی در حضور آنحضرت (ص) کاری را انجام داده ویا سخنی را گفته باشد . وآنحضرت (ص) سکوت نموده اورا منع نکرده باشد .

موضوع علم حدیث :

موضوع علم حدیث . ذات نبی (ص) از حیث قول، فعل وتقریر وی (ص) است . (توضیح نمره های (۱) و (۲) بصفحهٔ بعدی دیده شود)

غرض علم حدیث :-

غرض علم حدیث . متابعت وپیروی رسول الله (ص) وکامیابی دارین «دنیا و آخرت» می باشد .

---

(۱) صحابی کسی راگویند که درحالت اسلام به صحبت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مشرف شده و با ایمان از دنیا رحلت نموده باشد .

(۲) تابعی کسی راگویند که درحالت اسلام با صحابی صحبت نموده و از دنیا با ایمان وفات نموده باشد .

تدوین علم حدیث

احادیث آنحضرت صلّی الله علیه وسلّم ، در زمانهٔ آنحضرت صلّی الله علیه وسلّم وزمانهٔ خلفاء راشدین رضی الله تعالیٰ عنهم به شکل کتاب جمع و تدوین نگردیده بلکه در زمانهٔ خلافت عمر بن عبدالعزیز خلیفهٔ اموی که ملقب به عمر ثانی بود ودر عهد خلافتش دامنهٔ علم وسعت یافت جمع و تدوین شد.

حضرت عمر بن عبدالعزیز در سال (۹۹) هـ ق ابوبکر محمّد بن حزم راکه در علم حدیث عالم بزرگ بود ، به تدوین احادیث نبوی (ص) مامور نمود. ابوبکر با مشوره وموافقه محمّد بن مسلم بن شهاب الزهری بجمع وتدوین احادیث پیغمبر صلّی الله علیه وسلّم شروع کرده افتخار بزرگ را حاصل نمود. بعد از آن سایر علماء نیز به نوشتن وتدوین کتب حدیث شریف کمر همت بستند وکتب زیادی را در علم حدیث تدوین وتصنیف نمودند.

مشهورترین کتب حدیث

شماره	اسم کتاب	مؤلف
۱	صحیح البخاری	تألیف: ابو عبدالله محمد بن اسمعیل البخاری (رح)
۲	صحیح مسلم	تألیف: مسلم بن حجاج نیشاپوری (رح)
۳	سنن ابو داوُد	تألیف سلیمان ابن اشعث سجستانی (رح)
٤	جامع ترمذی	تألیف عیسیٰ محمد بن عیسیٰ ترمذی (رح)
٥	جامع نسائی	تألیف عبدالرحمٰن احمد بن شعیب نسائی (رح)
٦	جامع ابن ماجه	تألیف عبدالله محمد بن یزید قزوینی (رح)

تمرین

۱:- تعریف علم حدیث را بیان کنید.

۲:- موضوع علم حدیث را بگوئید.

۳:- غرض علم حدیث را بیان نمائید.

٤:- تدوین علم حدیث در زمان کدام خلیفه صورت گرفته است؟

٥:- مشهورترین کتب حدیث را نام بگیرید.

اقسام حدیث

حدیث اقسام زیادی دارد: ولی درینجا بعضی اقسام آن بطور اختصار ذکر می گردد:

حدیث ابتداء بدو قسم تقسیم می شود.

۱:- خبر متواتر.

۲:- خبر واحد.

۱- خبر متواتر:- خبر متواتر آن حدیثی را گویند که تعداد راوی های آن به اندازهٔ زیاد باشد، که عادتاً توافق آنها بر دروغ محال باشد.

شرطهای خبر متواتر قرار ذیل اند:

الف: تعداد راویهای آن به اندازهٔ زیاد باشد که عادتاً اتفاق ایشان بر دروغ محال باشد.

ب: کثرت راویهای آن از ابتداء تا انتهاء یکسان بوده و در هیچ مرحله کم نشده باشد.

ج: انتهای روایت ایشان مستند به حس بوده باشد.

مثلاً بگویند، شنیدیم این سخن را یا دیدیم این عمل را از رسول خدا(ص)،

د: با داشتن شرطهای مذکور خبر ایشان برای سامع خود افاده علم نماید.

۲: خبر واحد: خبر واحد آن حدیثی را می گویند که تعداد راویهای آن به حد تواتر نرسیده، و یا شروط تواتر در آن موجود نباشد.

خبر واحد به سه قسم است:

الف: مشهور: خبر مشهور حدیثی را می گویند که راوی آن از دو نفر زائد باشد

ب: عزیز: خبر عزیز آن حدیثی را گفته می شود که راوی آن کم از دو نفر نباشد.

ج: غریب: خبر غریب آنست که راوی آن یک شخص باشد.

تمرین

۱: خبر متواتر را تعریف نمائید.

۲: شرطهای خبر متواتر را بیان کنید.

۳: خبر مشهور را تعریف نمائید.

٤: تعریف خبر عزیز را بیان کنید.

نیت

عَنْ عُمَرَ بِنِ الْخَطَّابِ (رض) قَالَ: قَالَ رَسولُ الله (ص)
"اِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَاتِ وَاِنَّمَا لِامْرِئٍ مَّا نَوٰى فَمَنْ كَانَتْ
هِجْرَتُهُ اِلَى اللهِ وَرَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ اِلَى الله وَرَسُولِهِ
وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ اِلَى دنيا يُصِيبُهَا اَوِ امْرأَةٍ يَتَزَوَّجُهَا
فَهِجْرَتُهُ اِلَى مَا هَاجَرَ اِلَيْهِ (متفق عليه)"(۱)

ترجمه: از حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که وی گفت:
آنحضرت (ص) فرموده اند: هر آئینه ثواب عملها مربوط به نیت است
و هر آئینه برای یک شخص همان چیزی است که نیت نموده است.
پس کسیکه باشد هجرت او بسوی خدا (ج) و رسول خدا (ص) پس
هجرت وی واقعاً به سوی خدا (ج) و رسول خدا (ص) است
و کسیکه باشد هجرت وی برای تحصیل دنیا که بدست آرد آنرا و یا برای
زنی که به نکاح گیرد او را پس هجرت وی برای چیزی است
که بخاطر آن هجرت کرده است.

توضیح شماره (۱) در صفحه ۹ دیده شود.

شرح حدیث

یعنی ثواب اعمال موقوف ومربوط به نیت شخص عمل کننده است.
لذا اگر شخصی به نیت رضای خدا (ج) و رسول خدا (ص) وحفاظت
دین خود هجرت کند، پس هجرت وی واقعاً به سوی خدا (ج)
ورسولش (ص) بوده مستحق اجر وثواب هجرت می گردد.
واما اگر کسی به قصد بدست آوردن مال دنیا، ویا اینکه به قصد ازدواج
کردن با یک زن هجرت نماید پس هجرت وی برای
همان چیزی است که آنرا نیت وقصد کرده است. وبه
نزد خداوند (ج) کدام مزد وثوابی را مستحق نمیگردد.
در زمانهٔ رسول الله صلّی الله علیه وسلّم در مدینه منوره زنی بود، بنام
أم قیس وشخصی از مکه معظمه به قصد ازدواج با وی هجرت نمود. چون
آنحضرت صلّی الله علیه وسلّم از حال وی خبر یافت، حدیث فوق الذکر را
ارشاد فرمودند. بعد از آن مردم آن شخص را مهاجر (أم قیس) میگفتند

هجرت

هجرت در لغت بمعنای ترک کردن وکناره گیری از چیزی میباشد
ودراصطلاح :- عبارت است از ترک وطن خویش که تحت تسلط ،
کفار باشد به نیت حصول رضای خداوند (ج) ، وحفاظت دین .

فائده حدیث :-

۱ :- اجر وثواب عمل هر شخص موقوف به نیت نیک وی است وبدون
نیت نیک عامل مستحق ثواب واجر نمیگردد .

۲ : هجرت در راه رضای خداوند (ج) ، اجر وثواب زیاد دارد.

۳ : هجرت بخاطر دنیا ویا به نیت ازدواج کردن اجر وثواب
ندارد .

تمرین

۱ :- ثواب عملهای مربوط بچه است . ؟
۲ :- معنی لغوی واصطلاحی هجرت را بیان کنید .
۳ :- هجرت بخاطر مال دنیا ویا به نیت ازدواج ثواب دارد یا نه . ؟

---

(۱) حدیث متفق علیه آن حدیثی است که بخاری ومسلم هر دو باتفاق هم
روایت کرده باشند .

اسلام، ایمان، احسان

۱: اسلام:

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِیَ اللّٰہُ عَنْہُ:

قَالَ بَیْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ:۔

ذَاتَ یَوْمٍ اِذْ طَلَعَ عَلَیْنَا رَجُلٌ شَدِیْدُ بَیَاضِ الثِّیَابِ شَدِیْدُ سَوَادِ الشَّعْرِ لَا یُرٰی عَلَیْہِ اَثَرُ السَّفَرِ وَلَا یَعْرِفُہٗ مِنَّا اَحَدٌ حَتّٰی جَلَسَ اِلَی النَّبِیِّ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ. فَاَسْنَدَ رُکْبَتَیْہِ اِلٰی رُکْبَتَیْہِ وَوَضَعَ کَفَّیْہِ عَلٰی فَخِذَیْہِ وَقَالَ یَا مُحَمَّدُ! اَخْبِرْنِیْ عَنِ الْاِسْلَامِ قَالَ: اَلْاِسْلَامُ اَنْ تَشْھَدَ اَنْ لَّا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ اللّٰہِ وَتُقِیْمَ الصَّلٰوۃَ وَتُؤْتِیَ الزَّکٰوۃَ وَتَصُوْمَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَیْتَ اِنِ اسْتَطَعْتَ اِلَیْہِ سَبِیْلًا. قَالَ صَدَقْتَ فَعَجِبْنَا لَہٗ یَسْأَلُہٗ وَیُصَدِّقُہٗ.

ترجمہ:۔

از حضرت عمر بن الخطاب رضی اللہ عنہ روایت است کہ گفت:۔

در اثنائیکہ ما بہ نزد پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم بودیم یکروز ناگاہ مردی بہ نزد ما پیدا شد کہ لباسہای وی بسیار سفید و موی وی بے نہایت سیاہ بود، بروے

نشان سفر دیده نمی شد و هیچ یک از ما وی را نمی شناخت تا آنکه به نزد پیغمبر صلّی الله علیه وسلّم نشست. پس زانوهای خود را به زانوهای آنحضرت صلّی الله علیه وسلّم تکیه داده و هر دو کف دست خود را بر هر دو ران آنحضرت صلّی الله علیه وسلّم نهاده گفت :- ای محمّد صلّی الله علیه وسلّم، خبر ده مرا از حقیقت اسلام : آنحضرت (ص) فرمود حقیقت اسلام این است که گواهی دهی که نیست هیچ معبودی بحق مگر خدا (ج)، وگواهی دهی که هر آئینه محمّد رسول خدا (ج) است و برپا داری نماز را و بدهی زکوٰت را و روزه داری ماه رمضان را. وقصد کنی خانهٔ کعبه را. و بگذاری مناسک حج را، اگر بتوانی که بروی به سوی آن. آنمرد گفت :- راست گفتی. پس تعجب نمودیم ما از حال وی، که از آنحضرت (ص)، هم می پرسد و هم تصدیق می کند او را. زیرا پرسیدن در ظاهر امر دلالت بر نداشتن معلومات می کند و تصدیق دلالت بر علم.

توضیح :- اسلام در لغت به معنیٰ انقیاد و فرمانبرداری است و در شرع عبارت است از انقیاد و اطاعت احکام الهی و بجا آوردن پنج بنای مسلمانی. چنانچه در حدیث شریف ذکر گردید.

یک شخص وقتی مسلمان می گردد که بزبان کلمه طیبه یعنی لاآاله الاالله محمد رسول الله را بگوید و به دل یقین نماید که این را ایمان اجمالی می گویند.

ازین حدیث شریف واضح گردید که ارکان مهم دین مبین اسلام پنج است که رکن اول آن عبارت از عقیده و ایمان به خدا (ج)، و رسول (ص)، وچهار رکن دیگر آن عبارت از نماز، روزه، حج، وزکواة اند که ارتباط بعمل دارند. اگرچه صحت اسلام شخص اساساً تعلق به عقیده دارد و ترک اعمال دیگر بدون انکار شخص را از اسلام خارج نمی کند لیکن مسلمان کامل آنست که به تمام ارکان اسلام معتقد بوده آنرا عملی نماید. مسلمانیکه برخی از ارکان اسلام را بدون عذر شرعی ترک می کند مسلمان کامل نه بلکه مسلمان ناقص وگنهگار است. وخدا (ج) اختیار دارد که ویرا عذاب دهد و یا مغفرت نماید.

فوائد حدیث :-

۱: فضیلت لباس سفید ونظافت.
۲: شناختن آداب، فراگرفتن درس ورعایت احترام استاد.
۳: معرفت پنج بنای مسلمانی.

معنای بعضی کلمات :

طَلَعَ : ظاهر گردید

فَاَسْنَدَ : پس تکیه داد

وَضَعَ : نهاد

اَخْبِرْنِيْ : خبر ده مرا

۲: ایمان

قَالَ فَاَخْبِرْنِیْ عَنِ الْاِیْمَانِ قَالَ اَنْ تُؤْمِنَ بِاللّٰهِ وَمَلٰئِکَتِهٖ وَکُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ وَالْیَوْمِ الْاٰخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَیْرِهٖ وَشَرِّهٖ قَالَ صَدَقْتَ.

ترجمه :- گفت آن مرد خبر ده مرا از حقیقت ایمان آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: حقیقت ایمان این است که ایمان بیاری بخداوند (ج)، ملائکه وی، کتاب های وی، رسولان وی و روز آخرت، و ایمان بیاری به تقدیر خداوند (ج) که خوب و بد آن همه از جانب خدا (ج) است.

آنمرد پیغمبر صلی الله علیه وسلم راگفت :- راست گفتی .

توضیح :- ایمان درلغت به معنیٰ تصدیق و باور کردن است، و در شرع عبارت از تصدیق و قبول کردن آن چیز های است که پیغمبر صلی الله علیه وسلم از جانب خداوند (ج) آورده و به آن اقرار نمودن است .

ازین حدیث مبارک، معلوم گردید که ارکان مهم ایمان شش است .

۱:- ایمان به الله (ج)

۲:- ایمان به ملائکه .

۳:- ایمان به کتاب های خداوند (ج) .

۴:- ایمان به رسولان خداوند (ج) .

۵:- ایمان به روز آخرت .

۶:- ایمان به تقدیر و اینکه خیر و شر آن از جانب خداوند (ج) است .

فوائد حدیث :-

۱: معرفت حقیقت ایمان .

۲: ازین حدیث شریف معلوم می گردد. که اگر کسی به یکی ازین شش مؤمن به ایمان نداشته باشد مؤمن نیست .

معنی بعضی کلمات :-

۱:- تُؤْمِنَ : ایمان بیاری

۲:- قَدَرِ : اندازه ازلی خداوند (ج)

۳: خَيْرِ : خوبی

٤:- شَرِّ : بدی

۳:۔ احسان

قَالَ فَاَخْبِرْنِیْ عَنِ الْاِحْسَانِ! قَالَ اَنْ تَعْبُدَ اللّٰہَ کَاَنَّکَ تَرَاہُ
فَاِنْ لَّمْ تَکُنْ تَرَاہُ فَاِنَّہٗ یَرَاکَ قَالَ فَاَخْبِرْنِیْ عَنِ السَّاعَۃِ قَالَ:
مَاالْمَسْئُوْلُ عَنْھَا بِاَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ. قَالَ: فَاَخْبِرْنِیْ عَنْ اَمَارَاتِھَا!
قَالَ: اَنْ تَلِدَ الْاَمَۃُ رَبَّتَھَا وَاَنْ تَرَی الْحُفَاۃَ الْعُرَاۃَ الْعَالَۃَ رِعَاءَ
الشَّآءِ یَتَطَاوَلُوْنَ فِی الْبُنْیَانِ قَالَ: ثُمَّ اِنْطَلَقَ ، فَلَبِثْتُ مَلِیًّا ثُمَّ
قَالَ لِیْ: یَا عُمَرُ! اَتَدْرِیْ مَنِ السَّائِلُ؟ قُلْتُ: اَللّٰہُ وَرَسُوْلُہٗ اَعْلَمُ
قَالَ: فَاِنَّہٗ جِبْرَئِیْلُ اَتَاکُمْ یُعَلِّمُکُمْ دِیْنَکُمْ. رواہ مسلم.

ترجمہ: ۔ گفت آنمرد بہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم پس خبر دہ مرا از احسان
کہ احسان چیست؟
آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم گفت: داحسان آنکہ عبادت کنی
خداوند تعالیٰ را چنانچہ می بینی اورا پس اگر نیستی تو باین حال
کہ گویا می بینی خدا (ج) را پس بہ تحقیق او ترا می بیند یعنی عبادت کن.
اورا مثلیکہ ترا می بیند.
آنمرد گفت راست گفتی.

گفت آن مرد به آنحضرت صلّی الله علیه وسلّم پس خبر ده مرا از وقت قیامت؟ آنحضرت صلّی الله علیه وسلّم فرمود: نیست آنکه از وی پرسیده شده است، داناتر از کسیکه پرسنده است. گفت: پس خبر ده مرا از علامات آن. آنحضرت صلّی الله علیه وسلّم گفت: از نشانی های قیامت این است که بزاید کنیز مالک و مربی خود را و اینکه به بینی برهنه پایان، برهنه تنان، فقراء چرانندگان گوسفندان را که تفاخر می کنند بریکدیگر در ساختن خانه ها و بنا ها. گفت حضرت عمر (رض) پس آن شخص سوال کننده رفت.

وبعد از اندک زمانی آنحضرت صلّی الله علیه وسلّم گفت: ای عمر آیا میدانی که آن مرد سوال کننده کی بوده؟ گفتم: خدا و رسول خدا داناتر اند. آنحضرت صلّی الله علیه وسلّم فرمود: همانا این سوال کننده جبرئیل (ع) بود که آمده بود برای شما تا دین تانرا تعلیم دهد. این حدیث را مسلم شریف روایت کرده است.

توضیح :- بنای (۱) دین وکمال آن به فقه ، عقاید و تصوف است ،
واین حدیث شریف بیان هر سه است . اسلام اشاره است به فقه که بیان
احکام شرعی است ، وایمان اشاره به عقاید که اصل علوم دینیه است ،
واحسان اشاره به اصل تصوف که عبارت از صدق توجه الی الله (ج) است .
چون احکام دین ومقامات قرب ویقین همه بیان شد اشاره به
قیام قیامت وعلامات آن کرد ، تا تنبیه و باعث گردد بر التزام عبادت
وتحصیل کمال .

معنای بعضی کلمات :-

۱ :- احسان : نیکی کردن انجام فعل به نیکوئی و وجه کمال .

۲ :- سائل : پرسنده

۳ :- الساعة : قیامت

٤ :- مسئول : پرسیده شده

۵ :- امارات : علامات

---

(۱) اشعة اللمعات جلد اول صفحه ٦٥

تمرین .

۱: معنیٰ لغوی وشرعی اسلام را بیان کنید .

۲:۔ ارکان مهم دین اسلام را بیان کنید .

۳:۔ معنیٰ لغوی وشرعی ایمان را بگوئید .

٤:۔ ارکان مهم ایمان راکه درحدیث شریف خوانده اید بیان کنید .

٥:۔ علامات قیامت راکه درحدیث شریف خوانده اید بیان نمائید .

حیاء

عَنْ اَبِی هُرَیْرَةَ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ ، قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ: اَلْاِیْمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُوْنَ شُعْبَةً أَفْضَلُهَا قَوْلُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاَدْنَاهَا اِمَاطَةُ الْاَذٰی عَنِ الطَّرِیْقِ وَالْحَیَاءُ شُعْبَةٌ مِّنَ الْاِیْمَانِ (متفق علیه)

ترجمه :- از حضرت ابی هریره رضی الله عنه روایت است که گفت: آنحضرت صلّی الله علیه وسلّم فرمودند: - ایمان هفتاد و چند شعبه دارد. که بزرگترین آن کلمهٔ لا اله الّا الله و کوچکترین آن دور کردن چیز اذیت کننده است از راه و حیاء یکی از شاخه های ایمان است.

توضیح :- ایمان درین حدیث مبارک بدرختی تشبیه داده شده که دارای هفتاد و چند شاخه می باشد.

مطلب از شاخهای ایمان عبارت از خصلتهای حمیده و نیکوئی است که ایمان بر آن مشتمل است. کلمهٔ لا اله الا الله بهترین خصلت ایمان، و دور کردن چیز اذیت دهنده از سر راه عام، کوچکترین خصلت ایمان است.

حیا نیز یکی از خصلت های مهم ایمان است .

نماز ، روزه ، حج وغیره اعمال نیک از جمله خصلتهای ایمان است .

لغات:

۱:- بضع: بمعنی حصه از یک چیز است و در عدد به زیاده از دو و کمتر از ده استعمال میشود.

۲:- شُعْبَةٌ : بمعنی شاخ درخت است و مراد از آن درین حدیث مبارک خصلت نیک است .

۳:- إِمَاطَة : بمعنی دور کردن است .

۴:- أَذًى : بمعنی چیزی اذیت کننده و ناپاک .

۵:- حَيَاء : حیا در لغت تغییر و شکسته گی در طبع انسان را گویند .

و در شرع یکی از اخلاق و خصلتهای حمیده و نیک است ، که انسان را به قوت ایمان از کار قبیح منع می کند .

مانند حیا ، کردن از کشف عورت وغیره .

فوائد حدیث :-

۱:- ایمان دارای زیاده از هفتاد خصلت است .

۲ : - بزرگترین خصلت ایمان کلمهٔ لاآله الا الله محمد رسول الله است .

۳ : کوچکترین خصلت ایمان دور کردن چیز اذیت کننده از سر راه عام مانند سنگ خار و پلیدی است .

٤ : - حیاء نیز یکی از خصائل ایمان به شمار میرود .

حیاء انسان را از کارهای بد نگاه می دارد. شخص باحیاء را مردم دوست می دارند. بی حیائی انسان را به گناه و کارهای بد جرأت می دهد ازین رو پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند .

وقتیکه حیاء نکردی ، پس آنچه می خواهی بکن . (۱)

تمرین

۱ : - ایمان چند شعبه دارد ومقصد آن چیست ؟

۲ : - بهترین خصلت ایمان را بگوئید.

۳ : - کوچکترین خصلت ایمان را بگوئید .

٤ : - آیا حیاء از خصلتهای ایمان است ؟

---

(۱) بخاری کتاب الاداب . متن حدیث . اذا لم تستحی فاصنع ماشئت .

وَعَنِ الْعِرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ (رض) قَالَ صَلّٰى بِنَا رَسُولُ اللّٰهِ (ص)

ذَاتَ يَوْمٍ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ فَوَعَظَنَا مَوْعِظَةً بَلِيغَةً ذَرَفَتْ

مِنْهَا الْعُيُونُ وَ وَجِلَتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللّٰهِ!

كَأَنَّ هٰذِهِ مَوْعِظَةُ مُوَدِّعٍ فَأَوْصِنَا فَقَالَ: أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى

اللّٰهِ وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَإِنْ كَانَ عَبْدًا حَبَشِيًّا فَإِنَّهُ مَنْ

يَعِشْ مِنْكُمْ بَعْدِي فَسَيَرَى اخْتِلَافًا كَثِيرًا فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي

وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ تَمَسَّكُوا بِهَا وَعَضُّوا

عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ وَإِيَّاكُمْ وَمُحْدَثَاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ مُحْدَثَةٍ

بِدْعَةٌ وَكُلَّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ ۝ رواه احمد وابو داود والترمذی

وابن ماجه إِلَّا أَنَّهُمَا لَمْ يَذْكُرَا الصَّلٰوةَ

ترجمه :-

از حضرت عرباض پسر ساریه (رض) روایت است که گفت: یکروز پیغمبر

خدا صلّی الله علیه وسلّم با ما نماز گذارد یعنی امامت کرد.

بعد از آن روی خود را به سوی ما گردانید. پس وعظ ونصیحت کرد مارا

وعظ فصیح و مؤثر که اشک ریخت چشم ها از تاثیر آن و دلها از آن ترسید
پس شخصی گفت: ای پیغمبر خدا (ص)، گویا که این پند شخص وداع کننده است
(یعنی من فکر می کنم که شما با ما وداع می نمائید و ازین جهان رحلت میکنید)
پس وصیت کنید ما را.

پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود: من شما را وصیت می کنم به پرهیزگاری
و ترس از خدا (ج)، و به شنیدن و اطاعت کردن حکم امیرهای تان.
(تا آنجا که موافق حکم شرع باشد) گرچه حاکم و آمر شما یک غلام حبشی
باشد (۱)، زیرا یقیناً کسی که از شما بعد از من زندگی می کند، سرانجام
اختلافات زیادی را خواهد دید. پس بر شما است تا از سنت من
و سنت خلیفه های که راه یافته گان و هدایت شدگان اند پیروی نمائید.
(خلفای راشدین خلیفه های چهارگانه اند و سنت آنها درحقیقت همان سنت
های پیغمبر صلی الله علیه وسلم است که در زمانهٔ آنحضرت صلی الله شهرت
نیافته بود و خلفای راشدین آنرا شهرت دادند) چنگ بزنید به سنت
من و سنت خلفای راشدین و محکم بگیرید آنرا با دندانهای خود. و

دور دارید خود را از کارهائیکه نو پدید آمده است (یعنی کارهائیکه در زمان پیغمبر (ص)، وخلفاء راشدین از امور دین نبود وبعداً پیدا شده از چنین کارهای بدعت خود را دور دارید) زیرا هر خصلت نو پیدا شده در دین بدعت است وهر بدعت سبب گمراهی است

این حدیث را احمد بن حنبل ابو داوُد وترمذی وابن ماجه روایت کرده است مگر ترمذی وابن ماجه قصه نماز خواندن وامامت پیغمبر (ص)، را ذکر نکرده اند.

معنای بعضی کلمات:

۱: ذَرَفَتْ : اشک ریخت وروان شد اشک از چشم.

۲:- عُیُوْنُ : جمع عین به معنی چشم.

۳:- وَجِلَتْ: ترسید.

٤:- مُوَدِّع: وداع کننده یعنی شخصیکه رخصت شونده ورونده سفر باشد.

٥:- عَضُّوا : به معنی بگزید وعض به معنی گزیدن بدندان است. ودرینجا مطلب بسیار پابند بودن است.

٦:- نَوَاجِذَ : دندانهای کرسی را گویند.

---

(۱) این برای مبالغه است وگرنه امیر غلام نمی باشد زیرا حریت در امارت شرط است مانند اینکه در حدیث شریف آمده است کسی که در دنیا مسجدی بنا کند خداوند ج جل جلاله در جنت برایش یک قصر بنا می کند. ولو که آن مسجد مانند آشیانه گنجشک باشد در حالیکه مسجد قطعاً مثل خانه گنجشک نمی باشد. (لمعات)

فوائد حدیث:

۱:- وعظ ونصیحت باید قسمی فصیح وبلیغ باشد که بر شنونده گان اثر بگذارد.

۲:- اگر یکی از شنونده ها سوالی داشته باشد بعد از ختم موعظه بپرسد و واعظ باید به جواب آن بپردازد.

۳:- برای هر مسلمان ضروری است که تقوا و پرهیزگاری را پیشه خود بسازد و دیگران را به تقوا و پرهیزگاری تشویق نماید.

٤:- برای هر مسلمان لازم است که سخن حق را بشنود و قبول نماید واز آمر خود اطاعت کند و تا وقتیکه وی بکار خلاف شرع امر نکرده باشد از حکم وی بغاوت و سرکشی نکند.

٥:- مسلمانان باید در وقت ظهور فتنه واختلاف متوجه سنت پیغمبر (ص) و سنت خلفاء راشدین باشند و از آن سخت پیروی نموده ونگذارند که سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و خلفاء راشدین (رض) ترک شود.

٦:- از بدعت هائیکه بعد از زمان پیغمبر صلی الله علیه وسلم وخلفای راشدین در امور دین پدید آمده و در آن صلاح و بهبود دین ملحوظ نباشد پرهیز کرده شود.

تمرین

۱: پیغمبر صلی الله علیه وسلّم صحابه کرام را بکدام چیزها وصیت نموده است؟

۲: خلفاء راشدین کدام اشخاص اند؟

۳:۔ معنی کلمات ذیل را بیان کنید.

ذَرَفَتْ ، وَجِلَتْ ، مُوَدِّعْ .

٤:۔ بعد از متابعت سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلّم متابعت سنت کی کرده شود؟

فضیلت علم

عَنْ عَایِشَۃَ رَضِیَ اللّٰہُ عَنْہَا اَنَّھَا قَالَتْ ؛

سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ .

یَقُوْلُ اِنَّ اللّٰہَ عَزَّوَجَلَّ اَوْحیٰ اِلَیَّ اَنَّہٗ مَنْ سَلَكَ مَسْلَكًا فِیْ طَلَبِ الْعِلْمِ سَھَّلْتُ لَہٗ طَرِیْقَ الْجَنَّۃِ وَمَنْ سَلَبْتُ کَرِیْمَتَیْہِ اَثَبْتُہٗ عَلَیْہِمَا الْجَنَّۃَ وَفَضْلٌ فِیْ عِلْمٍ خَیْرٌ مِّنْ فَضْلٍ فِیْ عِبَادَۃٍ وَمِلَاكُ الدِّیْنِ اَلْوَرَعُ . رَوَاہُ الْبَیْھَقِیُّ فِیْ شُعَبِ الْاِیْمَانِ .

ترجمہ :-

از حضرت عایشہ رضی اللہ تعالی عنہا روایت است کہ گفت :-

شنیدم از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ می گفت : ہر آئینہ اللہ (ج) بمن وحی کرد . ہرکہ برود راہی را وپیش گیرد طریقۃ را در طلب علم آسان گردانم برای وی راہ بہشت را . وہرکہ گرفتم از وی ہردو چشم اورا پاداش وثواب دہم اورا در مقابل آن بہشت ، وزیادت در علم بہتر است از زیادت در عبادت ، وقِوام اساسی دین تقوی وپرہیزگاری است .

توضیح حدیث :-

یعنی کسی که بخاطر رضای خداوند (ج)، طلب علم دین می کند و بایین منظور سفر کرده، و راههای دور و نزدیک را قطع و درین راه مشقت وتکلیف را مستحمل میشود ، خداوند (ج) بوی راه جنت را آسان نموده اورا داخل بهشت می گرداند. واگر خداوند (ج) از مسلمان بینائی هر دوچشم وی رابگیرد و وی برآن صبر کند خداوند (ج) روز آخرت اورا درعوض بهشت می دهد. وزیادت درعلم اگرچه کم باشد بهتراست از زیادت درعبادت اگرچه بسیار باشد. و محکمی نظام دین اسلام وسبب قوت آن تقوی وپرهیزگاری است

فوائد حدیث :-

۱:- طلب علم برای رضای خداوند (ج) سبب دخول جنت است.

۲:- ازکسیکه خداوند (ج)، هر دوچشم ویرا درراه اسلام گرفته و او برآن صبر کند، خداوند (ج)، درمقابل برایش ثواب وأجر داده، اورا داخل بهشت می گرداند.

۳:- زیادت درعلم اززیادت درعبادت بهتراست.

٤:- قوت ومحکمی دین درتقوی وپرهیزگاری مامسلمانان نهفته است.

معنای بعضی کلمات :-

۱:- أَوْحٰى : وحی کرد

۲:- سَلَكَ مَسْلَكاً : برود در راهی

۳:- اَثَبْتُهُ : ثواب می دهم اورا

٤:- مِلَاكَ : قوام ومحکمی

٥:- اَلدِّيْنِ : شریعت خداوند (ج)

٦:- اَلْوَرَعَ : پرهیزگاری وتقوا

تمرین

۱:- خداوند (ج) پیغمبر (ص) خود را در بارهٔ علم چه وحی فرموده است؟

۲:- از کسی که خداوند (ج) بینائی دو چشم ویرا بگیرد واو صبر کند برایش چه اجر می دهد؟

۳:- قوت ومحکمی دین به سبب چه حاصل می گردد؟

نظافت

وَعَنْ جَابِرٍ (رض)، قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ:
مِفْتَاحُ الْجَنَّۃِ الصَّلٰوۃُ وَمِفْتَاحُ الصَّلٰوۃِ الطُّھُوْرُ. (رواہ احمد)

ترجمہ: ازحضرت جابر رضی اللہ تعالیٰ عنہ روایت است کہ گفت :-
رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلّم فرمودہ اند :

کلید جنت نماز وکلید نماز پاکی است . این حدیث را احمد (رح) روایت
نمودہ است .

توضیح :- چون نماز بعد از ایمان بزرگترین رکن اسلام است ،
ازین جهت آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلّم آنرا کلید دروازہ جنت خواندہ
است ، تا مردم در ادای آن سستی نکنند .
وچون طهارت بدن ، لباس وجای نماز برای صحت نماز شرط است
لذا طهارت و پاکی کلید نماز قرار دادہ شد در بارہ نظافت و پاکی آنحضرت
(ص) تاکید زیاد فرمودہ اند . چنانچه در حدیث شریف دیگری آمدہ است !
اَلطُّھُوْرُ شَطْرُ الْاِیْمَانِ . یعنی نظافت و پاکی جزء ایمان ویکی از خصلتهای
حمیدۂ آن است .

کلمهٔ شطر: بمعنی نصف ایمان است. واین مطلب در حدیث دیگری صراحةً ذکر شده است که (وَالطُّهُوْرُ نِصْفُ الْإِيْمَانِ) یعنی پاکی نصف ایمان است.

علماء می گویند پیغمبر صلی الله طهارت را از آن جهت نصف و یا جزء ایمان قرار داده است که انسان دارای باطن و ظاهر است. ایمان باطن انسان را از ناپاکی کفر و شرک پاک می سازد و نظافت ظاهر انسانرا پاک می سازد. (۱)

دانشمندان وعلماً طب می گویند: اکثر مرضها از مکروب های مضره بوجود می آیند و مکروب های مضره اکثراً از کثافات و ناپاکی پیدا می شوند. اگر انسان بدن، لباس، مسکن و محیط خود را پاک و صفا نگاه دارد سبب جلوگیری از بسیاری امراض می گردد.

معنی برخی از کلمات:

۱: مِفْتَاحٌ : کلید
۲: اَلصَّلٰوةُ : نماز
۳: اَلطُّهُوْرُ : پاکی

تمرین

۱: کلید جنت چیست بیان کنید ؟

۲: کلید نماز چیست بگوئید ؟

۳: چرا پیغمبر صلی الله علیه وسلم نظافت را نصف ایمان خوانده است تشریح نمائید ؟

---

(۱) بعضی گفته اند مراد از ایمان نماز است چون نماز بدون پاکی یعنی وضوء جائز نیست لهذا آنرا به منزله نصف نماز قرار داده اند . (لمعات)

نماز

عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ (رض) قَالَ : قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ : اَرَاَیْتُمْ لَوْاَنَّ نَهْراً بِبَابِ اَحَدِکُمْ یَغْتَسِلُ فِیْهِ کُلَّ یَوْمٍ خَمْساً هَلْ یَبْقٰی مِنْ دَرَنِهٖ شَیْئٌ ؟ قَالُوْا لَا یَبْقٰی مِنْ دَرَنِهٖ شَیْئٌ . قَالَ فَذٰلِكَ مَثَلُ الصَّلٰوةِ الْخَمْسِ یَمْحُوا اللّٰهُ بِهِنَّ الْخَطَایَا (متفق علیه)

ترجمه : از ابی هریرة رضی الله تعالیٰ عنه روایت است که گفت :-
پیغمبر صلّی الله علیه وسلّم فرموده اند : مرا خبر بدهید اگر پیش روی دروازه یکی از شما - نهری روان باشد ، و وی هر روز پنج مرتبه در آن نهر غسل کند ، آیا از چرک بدن وی چیزی باقی می ماند ؟
اصحاب کرام رضی الله عنهم گفتند : از چرک وی چیزی باقی نمی ماند
پیغمبر صلّی الله علیه وسلّم فرمود : این مثال نماز های پنجگانه است که خداوند جلّ جلاله به ذریعهٔ آنها گناهان را محوه می کند .

معنی بعضی کلمات :-

۱: أَرَأَيْتُمْ : خبر دهید مرا

۲: دَرَنِهِ : چرک وی

۳: يَمْحُو : محو و پاک می کند یعنی عفو و بخشش می کند.

توضیح : پیغمبر صلی الله علیه وسلّم در حدیث مبارک فوق الذکر این مطلب را واضح فرموده اند که اگر انسان نماز های پنجگانه را به یقین کامل اداء کند گناهان وی مورد عفو و بخشش قرار می گیرد.

علماء می گویند: بواسطه ادای نماز های پنجگانه ، گناهان صغیره بخشیده می شود. چنانچه در حدیث دیگری آمده است.

(إِذَا اجْتُنِبَ الْكَبَائِرُ) (۱) یعنی نماز های پنج گانه وقتی کفاره برای گناهان می گردد که از گناهان کبیره اجتناب شود.

ازین حدیث صراحةً معلوم می گردد که مراد از گناهانیکه بواسطهٔ نماز بخشیده می شوند گناهان صغیره اند . اما گناهان کبیره بواسطه توبه بخشیده می شوند.

---

(۱) اَلصَّلٰوةُ الْخَمْسُ وَالْجُمُعَةُ اِلَى الْجُمُعَةِ وَرَمَضَانُ اِلٰى رَمَضَانَ مُكَفِّرَاتٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ اِذَا اجْتُنِبَ الْكَبَائِرُ

فوائد حدیث :-

۱:- هم چنانیکه آب چرک ظاهری را پاک می کند نماز های پنج گانه چرک وکدورت باطنی راکه بواسطهٔ گناهان پدید می آید محوه می نماید .

۲:- برای مسلمان لازم است که پابند پنج وقت نماز باشد .

۳:- با اداء کردن نماز های پنجگانه گناهان صغیره مسلمان محو می گردد.

علمأ کرام درین مسٔله بحث زیاد نموده اند که در تفاسیر ضمن تفسیر آیهٔ (۳۱) سوره نساء آمده است . ازظاهر این حدیث و آیهٔ سورهٔ نساء چنین معلوم می شود که اگر شخصی از کبایر اجتناب کند صغایر به طاعت بخشیده می شود . ولی اگر ازکبایر پرهیز نکرد صغایر نیز بر ذمهٔ وی باقی می ماند .

اما مذهب اهل سنت چنین نیست ، آنها آیات واحادیث را درین مورد با بینش عمیق تدقیق کرده وچنین نتیجه گرفته اند که گناهان کبیره اسبابی دارند که اسباب و وسائل گناهان کبیره گناهان صغیره اند . مثلاً زنا اسبابی دارد از قبیل تماس گرفتن و رفتن به موضع زنا وغیره . اگر ازخود

ادامهٔ پاورقی صفحه ۳۶ است

زنا پرهیز شد متباقی اسباب آن که صغیره است به طاعت بخشیده میشود
در غیر آن اسباب آن نیز در جملهٔ زنا محسوب و بدون توبه بخشیده نمی شوند.
ولی آن گناه صغیرهٔ که سبب برای گناه کبیره نباشد امید است که به اطاعت
و عبادت بخشیده شود. والله اعلم.

تمرین

۱:- پیغمبر صلی الله علیه وسلم نماز پنج گانه را بکدام چیز تشبیه داده است؟
۲:- با ادأ کردن نماز های پنج گانه کدام قسم گناه بخشیده می شود؟
۳:- نماز های پنجگانه بکدام وقت کفاره گناهان می گردد؟

فضیلت روزه

عَنْ اَبِی هُرَیْرَةَ (رض) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ. مَنْ صَامَ رَمَضَانَ اِیْمَانًا وَّاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهٗ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهٖ وَمَنْ قَامَ رَمَضَانَ اِیْمَانًا وَّاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهٗ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهٖ وَمَنْ قَامَ لَیْلَةَ الْقَدْرِ اِیْمَانًا وَّاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهٗ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهٖ (متفق علیه)

ترجمه: از حضرت ابی هریره رضی الله عنه روایت است که گفت: پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمودند. هر که از روی ایمان داری و طلب ثواب روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد گناهان گذشته وی بخشیده میشود. و هر که از روی ایمانداری و طلب ثواب قیام ماه رمضان را بجا کند، گناهان گذشته وی بخشیده میشود. و هر که از روی ایمانداری و طلب ثواب شب قدر را قیام نماید گناهان گذشته وی بخشید میشود.

توضیح حدیث

کسیکه روزه گیرد ماه مبارک رمضان را خاص از جهت ایمان داشتن بخدا (ج) و رسولش و بخاطر طلب ثواب، خداوند (ج)، گناهان ـ

گذشته وی را به سبب روزه گرفتن ماه رمضان عفو می نماید. وکسی که

از روی ایمانداری بخداوند (ج)، و رسولش (ص)، و بخاطر طلب ثواب

در ماه مبارک رمضان قیام کند، یعنی در شب های آن نماز گذارد،

صلوٰة تراویح و ختم قرآن نماید خداوند (ج)، گناهان گذشته

ویرا مغفرت می نماید. وکسیکه از روی ایمانداری وطلب ثواب

قیام شب قدر رابجا کند یعنی در آن شب به عبادت و ذکر

خداوند (ج)، مشغول شود. نماز فرضی و تراویح را ادا کند. خداوند

گناهان گذشته ویرا به سبب قیام لیلة القدر می آمرزد. زیراکه ثواب

عبادت این شب از عبادت هزار ماه که در آن این شب نباشد

بهتر است چنانچه خداوند (ج)، فرموده است.

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ط شب قدر بهتر است از هزار ماه

فوائد حدیث :-

۱: به سبب روزه داشتن ماه مبارک رمضان از جهت ایمانداری

وطلب ثواب خداوند (ج)، گناهان گذشته شخص مؤمن را عفو می نماید.

۲: به سبب قیام در شب های ماه رمضان از جهت ایمانداری وطلب ثواب خداوند (ج)، گناهان شخص مؤمن را عفو می نماید .

۳: به سبب قیام در شب قدر از حیث ایمانداری وطلب ثواب خداوند (ج) گناهان گذشته شخص مؤمن را می آمرزد .

معنی بعضی کلمات :-

۱: إِيْمَانًا : جهت ایمان بخدا (ج)، ورسولش (ص)

۲: إِحْتِسَابًا : جهت طلب ثواب .

۳: غُفِرَ : آمرزیده می شود .

٤: ذَنْبِهِ : گناه وی

تمرین

۱: کسیکه ماه رمضان رااز روی ایمانداری وطلب رضای خداوند (ج)، روزه بگیرد چه أجر دارد ؟

۲: قیام شب های رمضان عبارت از چه است ؟

۳: ثواب عبادت شبقدر را بیان کنید .

زکات

عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رضی اللّٰه عنه. قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صلعم.
مَنْ اٰتَاهُ اللّٰهُ مَالًا فَلَمْ یُؤَدِّ زَکوٰتَهٗ مُثِّلَ لَهٗ مَالُهٗ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ
شُجَاعًا اَقْرَعَ لَهٗ زَبِیْبَتَانِ یُطَوَّقُهٗ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ ثُمَّ یَاْخُذُ
بِلِهْزِمَتَیْهِ یعنی شِدْقَیْهِ ثُمَّ یَقُوْلُ أَنَا مَالُكَ أَنَا كَنْزُكَ
ثُمَّ تَلَا وَلَا یَحْسَبَنَّ الَّذِیْنَ یَبْخَلُوْنَ الْاٰیَةَ. رواه البخاری

ترجمه: - از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که گفت:
پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسی که داد الله تعالی بوی
مالی را پس ادا نکرد زکات آنرا، گردانیده می شود مال او در
روز قیامت بصورت مار کل که سر آن موی ندارد.
آن مار دو نقطهٔ سیاه دارد که در بالای هر دو چشمش قرار دارند
گردانیده می شود آن مار طوق در گردن آن شخص در روز قیامت
بعد از آن می گیرد از هر دو الاشه وی یعنی از دو طرف دهان وی.
سپس می گوید: من مال تو أم، من گنج تو أم. بعداً آنحضرت
صلی الله علیه وسلم تلاوت نمود این آیه کریمه را: و باید که گمان نکنند

آنانیکه بخل می کنند (۱) این حدیث را بخاری روایت نموده است

معنی بعضی کلمات :-

۱: فَلَمْ یُوَدِّ : پس ادا نکرد

۲: مُثِّلَ : مصور گردانیده می شود صورت داده می شود.

۳: شُجَاعٌ : مار نر و یا مطلق مار۔

٤: اَقْرَعَ : کل، آنکه موی در سرش نباشد.

۵: زُبَیْبَتَانِ : دو خال و نقطه سیاه بالای چشم

۶: یُطَوِّقُهُ : طوق گردانیده می شود در گردن آن شخص.

۷: لَهْزِمَتَیْهِ : هر دو استخوان زنخ والاشهٔ وی.

۸:- شِدْقَیْهِ : هر دو طرف دهان وی.

---

(۱) سوره ال عمران آیت (۱۸۰) وَلَا یَحْسَبَنَّ الَّذِیْنَ یَبْخَلُوْنَ بِمَآ اٰتٰهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ هُوَ خَیْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ ط سَیُطَوَّقُوْنَ مَا بَخِلُوْا بِهٖ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ ط

توضیح :-

خداوند (ج)، در مال اغنیأ برای فقیر و مسکین و ناتوان حق و حصه مقرر نموده است. پیغمبر صلّی الله علیه وسلّم درین حدیث سرنوشت کسانی را بیان نموده است که خداوند (ج)، از فضل و احسان خویش برای ایشان در دنیا مال داده است. ولی آنان حقوق مسکین را در مال خود مراعات نکرده و آنرا به مستحقین نداده اند.

پیغمبر صلّی الله علیه وسلّم فرمودند: کسی را که خداوند (ج)، مال داده باشد. اما او زکات آنرا به فقراء و مستحقین ندهد، در روز قیامت مال وی بصورت ماری آورده می شود که سرش کل و بی موی می باشد. ماریکه در سر خود موی داشته باشد و بعداً موی آن بریزد و کل شود زهر چنین ماری بی نهایت زیاد و تیز می باشد. آن مار مانند طوق در گردن شخص می پیچد و از هر دو گوشهٔ دهان وی می گیرد و می گوید من مال توأم و من گنج توأم بعداً پیغمبر صلّی الله علیه وسلّم به تائید قول خود این آیهٔ مبارکه قرآنکریم را تلاوت نمودند :

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتٰهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ ط بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ ط سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهٖ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ط

سورهٔ آل عمران آیت ۱۸۰

ترجمه: و باید گمان نکنند آنانیکه بخل می کنند به آنچه عطا کرده است خداوند (ج) برای شان از فضل خود که این بخل شان بهتر است برای آنها بلکه این بخل بد است برای آنها، زود است که طوق ساخته می شود آن مالیکه بخل می کردند به آن (و به فقراء نمیدادند) در روز قیامت در گردنهای ایشان

تمرین

۱: کسیکه زکات مال خود را ادا نکند برایش چه خبر داده می شود؟

۲: معنی کلمات ذیل را بگوئید؟ اَقْرَعَ ، زَبِيْبَتَانِ ، يُطَوَّقُهُ .

۳: پیغمبر صلّی الله علیه وسلّم به تائید قول خود کدام آیت را تلاوت نمود؟

حج

عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ (رض)، قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ
مَنْ حَجَّ الْبَیْتَ لِلّٰهِ فَلَمْ یَرْفَثْ وَلَمْ یَفْسُقْ رَجَعَ کَیَوْمٍ وَلَدَتْهُ
اُمُّهُ (متفق علیه)

ترجمه:

از ابی هریرة رضی الله تعالیٰ عنه. روایت است که گفت:-
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند.
کسیکه حج کند برای (خاص رضای) خداوند (ج)، پس رفث (جماع و دواعی آنرا) نکند
وکار بد را اجرا نه نماید، باز می گردد از حج، پاک از گناهان همچو پاک
بودن او از گناهان در روزیکه مادرش او را زائیده است.

توضیح:-

هرکه برای رضای خداوند (ج)، نه برای ریا واغراض دیگر، حج کند ودرآن
جماع ودواعی آنرا نکند، از فسق وکارهائیکه خلاف شرع است خود داری
نماید. با رفیقان خود جنگ وجدال نکند وکسی را دشنام ندهد. باز میگردد
از حج در حالیکه پاک می باشد از گناهان مانند روزیکه از مادرش تولد شده بود

فوائد حدیث :-

ادأ کردن حج که در آن از منهیات شرعی پرهیز شده باشد مسلمانرا از گناهان چنان پاک می سازد مثلیکه طفل معصوم نو از مادر پیدا شده باشد

معنی بعضی کلمات :-

۱:- حج : زیارت کردن خانهٔ خداوند (ج) بیت الله است در وقت آن و با اجرای مناسک أمر شده از طرف خداوند (ج)

۲:- فَلَمْ یَرْفُثْ : پس جماع و دواعی آنرا نکند

۳:- وَلَمْ یَفْسُقْ : وکار بد نکند

٤:- رَجَعَ : بازگردد .

وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
اَلْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ (متفق علیه)

ترجمه: حضرت پیغمبر صلّی الله علیه وسلّم فرموده اند.

عمره تا عمرهٔ دیگر کفاره است برای گناهانیکه دربین دو عمره واقع شده باشد. وجزاء حج مبرور نیست مگر بهشت.

توضیح حدیث:-

عمره درلغت به معنای زیارت کردن است و درشرع عبارت است از افعال مخصوصه که آن طواف و سعی بین صفا و مروه بدون ایستاده شدن بعرفات می باشد.

عمره تا عمرهٔ دیگر کفاره است برای گناهان صغائریکه بین این هر دو واقع شده باشند. کفاره (۱) کبائر مخصوص به حج بوده وجزای حج مبرور بهشت است. حج مبرور آنست که در آن از تمام منهیات اجتناب شده و به درگاه خداوند(ج)، قبول شده باشد.

(۱) اشعة اللمعات جلد دوم ص۳۲۱

تمرین

۱:- کسیکه خاص برای رضای خداوند (ج)، حج کند چه اجر دارد ؟

۲:- معنی عمره را بیان کنید .

۳:- حج مبرور را شرح نمائید.

جهاد

عَنْ اَنَسٍ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ : قَالَ : قَالَ رَسُوْلُ اللهِ ص،
جَاهِدُوْا الْمُشْرِکِیْنَ بِاَمْوَالِکُمْ وَاَیْدِیْکُمْ وَاَلْسِنَتِکُمْ .
رواه احمد و ابو داود ونسائی .

ترجمه : از حضرت انس (رض) روایت است که گفت :
پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمودند . جهاد کنید با مشرکین بمالهای تان و دستهای تان و زبانهای تان . این حدیث را احمد وابو داود و نسائی روایت نموده .

معنی بعضی کلمات :-

۱:- جَاهِدُوْا :- جهاد کنید در راه خداوند (ج) وجهاد درلغت بمعنی کوشش کردن است . و در شرع جنگ کردن است برای اعلا کلمة الله .

۲: اَلْمُشْرِکِیْنَ : کسانیکه بتها وغیره را با خداوند (ج)، شریک می سازند . و درینجا همه کفار مراد است .

۳:- بِاَمْوَالِکُمْ : با مال های خود اموال جمع مال است

٤:- اَیْدِیْکُمْ : با دست های خود .

۵: - اَلْسِنَتِكُمْ : بازبانهای خود .

توضیح :-

دین مقدس اسلام جهاد را بالای مسلمانان فرض گردانیده تا بواسطهٔ جهاد دین خدا (ج) را در روی زمین پخش کنند وحملات کفار را که به مملکت های اسلامی صورت می گیرد دفع نموده ، جهانرا از شر کفار ومفسدین در امان نگه دارند . پیغمبر اسلام (ص) در حدیث شریف فوق الذکر ضمن اینکه امر بجهاد می نمایند . افزار ووسائل جهاد را نیز بیان داشته اند . مال (طبق ارشادات حدیث نبوی ص) یکی از وسائل مهم جهاد است زیرا بدون مصرف نمودن مال مسلمانان نمی توانند برای شروع جهاد آماده گی بگیرند . لذا پیغمبر صلی الله علیه وسلم مسلمانان را امر نمود که مالهای خود را در راه جهاد مصرف نمایند تا مجاهدین بتوانند جهاد را شروع نموده وآنرا ادامه دهند چیزی دیگریکه باعث پیشرفت وترقی جهاد می شود اشتراک مسلمانان در جهاد مسلحانه است

لذا پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند : که مسلمانان باید با دست های خود بمقابل کفار جهاد نمایند . که این عبارت اشاره است به لزوم اشتراک مسلمانان در جهاد مسلحانه درصورتیکه قدرت چنین اشتراک را داشته باشند علاوه برین تبلیغ احکام دین ، امر بالمعروف ، نهی از منکر ، تشویق مردم به صرف مال و اشتراک در جهاد مسلحانه ، نیز جهاد گفته می شود که آنرا جهاد لسانی می گویند . حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم در حدیث مبارک فوق الذکر به این قسم جهاد نیز امر نموده اند . بزبانهای خود نیز جهاد نمائید

تمرین :

۱- معنی لغوی و شرعی جهاد را بیان کنید .

۲- جهاد به مال را تشریح نمائید .

۳- جهاد بزبان را بیان کنید .

حقوق مسلمین

وَعَنْ اَبِی هُرَیْرَةَ رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ . قَالَ : قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ (ص)، حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَی الْمُسْلِمِ خَمْسٌ رَدُّ السَّلَامِ وَعِيَادَةُ الْمَرِيْضِ وَاِتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ وَاِجَابَةُ الدَّعْوَةِ وَتَشْمِيْتُ الْعَاطِسِ (متفق علیه)[1]

ترجمه :-

از ابی هریره (رض) روایت است که گفت :-

پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : حق مسلمان بالای مسلمان پنج است

۱ :- جواب دادن سلام

۲ :- پرسیدن بیمار

۳ : تشییع جنازه

۴ : پذیرفتن دعوت (مهمانی)

۵ :- جواب دادن برای عطسه زننده بجمله (یرحمك الله).

---

(۱) مشکوة کتاب الجنائز صفحه ۱۳۳

معنیٰ بعضی کلمات :

۱: عیادة : احوال پرسی مریض .

۲: اتباع : پیروی ورفتن ازعقب چیزی .

۳: جنائز : جمع جنازه به معنیٰ میت ومرده .

۴: اجابة : قبول کردن .

۵: الدّعوة : مهمانی خواندن وطلب نمودن به مهمانی .

۶: تشمیت : کسی را دروقت عطسه زدن بخیر وصحت وبجملهٔ یرحمک الله دعا کردن .

۷: عاطس : عطسه کننده .

توضیح :- هرمسلمان بالای مسلمان دیگر پنج حق دارد .

۱: اینکه سلام وی راجواب دهد یعنی وقتیکه یک برادر مسلمانش بوی سلام داد درجواب وی باید بگوید : وعلیکم السلام [1] واگر بهتر ازین جواب بدهد یعنی (وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته) بگوید بهتر وافضل خواهد بود .

---

(۱) سلام دادن درابتداء نیز حق یک مسلمان برمسلمان دیگر وسنت پیغمبر اسلام (ص) است ، لیکن تخصیص رد سلام وجواب آن درین حدیث بنا براهتمام بوجوب آن است . (اشعة اللمعات)

۲:- پرسیدن بیمار است یعنی اگر یک مسلمان مریض و بیمار شود بر مسلمانان حق دارد که به خانه وی ویا بیمارستان رفته حال وی را بپرسند.

۳:- تشییع جنازهٔ یک مسلمان است اگر یک مسلمان فوت شود باید مسلمانان جنازه وی را مشایعت کنند و این از جملهٔ حقوق وی است بالای مسلمانان (۱)

۴:- پذیرفتن دعوت و مهمانی است یعنی اگر یک نفر شخصی را به مهمانی دعوت می کند قبول آن لازم است به شرطیکه در مجلس مهمانی مانع شرعی وجود نداشته باشد مانند ساز و سرود وغیره. درصورتیکه مانع شرعی باشد رفتن به آن مهمانی ممنوع است.

۵: جواب عطسه است یعنی اگر یک مسلمان عطسه زد و بعد از عطسه الحمد لله گفت، لازم است در جواب وی گفته شود: یرحمک الله یعنی خداوند ترا رحمت کند.

---

(۱) علماء میگویند: خواندن نماز جنازه که فرض کفائی است درین حق داخل میباشد، لیکن تخصیص تشییع جنازه درین حدیث بخاطر اهتمام به آنست تا مردم بعد از ادای نماز جنازه باندازه توان و قدرت خود عقب جنازه بروند. و مشایعت جنازه تا ختم دفن مستحب است (اشعة اللمعات)

و هرگاه شخصی که عطسه زده است الحمدلله نگوید جواب عطسه بر شنونده لازم نیست[1]

۱: ناگفته نماند که همهٔ حقوق مسلمان بر مسلمان منحصر درین پنج چیز نیست بلکه حقوق دیگر نیز موجود است که در احادیث دیگر آمده است. مانند طعام دادن گرسنه وغیره.

تمرین

۱: حق مسلمان بر مسلمان دیگر چیست؟

۲: معنای کلمات ذیل را گوئید. اتباع، جنایز، تشمیت، عاطس

۳: اجابت دعوت در کدام وقت لازم است؟

عَنْ اَبِی هُرَیْرَةَ . (رض) قَالَ : قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ ع،
رَغِمَ اَنْفُهٗ رَغِمَ اَنْفُهٗ رَغِمَ اَنْفُهٗ قِیْلَ : مَنْ یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ؟
قَالَ : مَنْ اَدْرَكَ وَالِدَیْهِ عِنْدَ الْكِبَرِ اَحَدَهُمَا اَوْكِلَاهُمَا
ثُمَّ لَمْ یَدْخُلِ الْجَنَّةَ . (رواه مسلم)

ترجمه : از ابی هریرة رضی الله تعالیٰ عنه روایت است که گفت :-
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلّم فرموده اند .
خاک آلود باد بینی او، خاک آلود باد بینی او ، خاک آلود باد بینی او
شخصی گفت : آن کیست یا رسول الله صلی الله علیه وسلّم !
آنحضرت (ص) فرمودند . کسیکه از مادر و پدر یکی یا هر دو را
در پیری یافت و داخل بهشت نشد .

معنی بعضی کلمات :-

۱: رغم : خاک آلود باد
۲: انفه : بینی او
۳: ادرك : یافت
٤: عندالکبر : هنگام پیری

توضیح حدیث :-

حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم سه بار مکرراً فرمودند : که خاک آلود باد بینی او بعضی اصحاب کرام از حضرت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پرسیدند .
کیست آن شخص یا رسول الله ! فرمودند ؛ کسیکه از مادر و پدر خود یکی یا هر دو را در وقت پیری ایشان بیابد ، ولی داخل بهشت نگردد . یعنی خدمت ایشان را نکند و رضائیت آنها را حاصل نه نماید . هم چنین خداوند (ج) ، فرموده است .

وَقَضٰى رَبُّكَ اَلَّا تَعْبُدُوْٓا اِلَّآ اِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا ۭ اِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ اَحَدُهُمَآ اَوْ كِلٰـهُمَا فَلَا تَقُلْ لَّهُمَآ اُفٍّ وَّلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيْمًا ۝ (۱)

ترجمه : و حکم کرد پروردگار تو که عبادت نکنید مگر خودش را . . و با پدر و مادر نیکو کاری کنید اگر برسد نزد تو به کلان سالی یکی از ایشان یا هر دوی ایشان ، پس مگو ایشا را اُف ، و بانگ مزن بر ایشان و بگو با ایشان سخن نیکو ، در حین پیری احتیاج خدمت زیاده تر است که بعضی اوقات اهل و عیال هم از آن پهلو تهی می کنند در روزگار پیری

---

(۱) سورهٔ اسراء (۲۳)

هوش وحواس هم آنقدر بجا نمی ماند پس سعادت مند کامل کسی است که در آنوقت از خدمت گذاری و فرمان برداری پدر و مادر سر باز نزند حتی در مقابل آنها «اُف» هم نگوید، چنانچه حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم در حدیث دیگری فرموده اند. (۱) رضای خداوند (ج) در رضامندی پدر و مادر و قهر و غضب خداوند (ج) در قهر و غضب پدر و مادر است.

۱: عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ (رض) قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: رِضَى الرَّبِّ فِي رِضَى الْوَالِدِ وَسَخَطُ الرَّبِّ فِي سَخَطِ الْوَالِدِ.

(مشکوة صفحه ۴۱۹)
(رواه الترمذی)

تمرین

۱:- در باره حقوق والدین یک حدیث شریف را قرائت نمائید.

۲:- آیتی را که در باره حقوق والدین خوانده اید قرائت نمائید.

۳:- کلمات ذیل را ترجمه نمائید.

الف: رَغِمَ :
ب: أَدْرَكَ :
ج: عِنْدَكَ الْكِبَرَ :

حقوق همسایه

عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رَضِیَ اللّٰهُ تَعَالٰی عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ: وَاللّٰهِ لَا یُؤْمِنُ، وَاللّٰهِ لَا یُؤْمِنُ وَاللّٰهِ لَا یُؤْمِنُ. قِیْلَ: مَنْ یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ؟! قَالَ اَلَّذِیْ لَا یُؤْمِنُ جَارُهُ بَوَائِقَهُ (متفق علیه)

ترجمه: از حضرت ابی هریره رضی الله عنه روایت است که گفت:-

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند.

قسم بخداوند (ج) که ایمان نمی آورد، قسم بخداوند (ج) که ایمان نمی آورد، قسم بخداوند (ج) که ایمان نمی آورد، شخصی گفت کیست آنکه ایمان نمی آورد ای پیغمبر خداوند؟ آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند:

کسیکه در امان نباشد همسایهٔ او از ضررهای وی. (متفق علیه)

معنی بعضی کلمات:-

۱: لَا یُؤْمِنُ : ایمان نمی آورد.

۲: جَارُهُ : همسایه وی

۳: بَوَائِقَهُ : از ضررهای وی و اذیت های وی

توضیح: در دین مقدس اسلام به حفظ حقوق همسایه توجه خاصی شده است، خداوند (ج) در قرآن مجید حقوق همسایه را در ردیف حقوق والدین، خویشاوندان یتیمان وغیره ذکر کرده است (۱) و نیز براهمیت حقوق همسایه در حدیث فوق الذکر حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم تاکید زیاد نهاده شده است. زیرا پیغمبر صلی الله علیه وسلم سه مرتبه قسم یاد کرده است که شخصی که همسایهٔ خود راا ذیت کند وبوی ضرر برساند مؤمن کامل نیست (۲)

و در حدیث دیگری آمده است: کسیکه بخداوند (ج) و روز آخرت ایمان داشته باشد باید باهمسایه خود نکوئی کند (۳)

---

(۱) سورهٔ نساء ۳۶

(۲) درین حدیث آمده است کسی که از ضرر وی همسایه اش مصئون نباشد مؤمن نمی باشد. علماء می گویند: یعنی مؤمن کامل نیست چراکه آزار واذیت همسایه گناه است ومسلمان به ارتکاب گناه کافر نمی گردد بلکه گنهگار می گردد و در کمال ایمان وی نقصان پدید می آید.

(۳) حقیقت الاسلام تالیف قاضی ثناءالله پانی پتی به نقل از بغوی

و در حدیث دیگر چنین آمده است که پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند!
همسایه های بسیاری اند که روز قیامت دامن همسایه خود را می گیرند
و می گویند: ای پروردگار من! ازین شخص بپرس که چرا دروازهٔ خود را بروی
من بست؟ وطعام باقیماندهٔ خود را بمن نداد (۲)

لهذا مسلمان نباید از احوال همسایه خود بی خبر باشد و باید همیشه از مشکلات وی
آگاه بوده و در رفع مشکلات وی به قدر توان خود با وی همکاری نماید.

۲ـ حقیقة الاسلام.

تمرین

۱:ـ درباره حقوق همسایه یک حدیث شریف را بخوانید.
۲:ـ خداوند (ج)، حقوق همسایه را در ردیف حقوق چه کسانی ذکر نموده است؟
۳:ـ معنی کلمات ذیل را بیان کنید:

لَا یُؤْمِنُ ، جَارُهُ ، بِوَائِقَهُ

حقوق زن

عَنْ عَایِشَةَ رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهَا قَالَتْ : قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ ص:
خَیْرُکُمْ. خَیْرُکُمْ لِأَهْلِهٖ وَأَنَا خَیْرُکُمْ لِأَهْلِی وَإِذَا مَاتَ
صَاحِبُکُمْ فَدَعُوهُ. (رواه الترمذی والدارمی)

ترجمه: از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است گفت :-

حضرت پیغمبر صلّی الله علیه وسلّم فرموده اند :

بهترین شما کسی است که بهتر است برای اهل خود و من بهتر شما
هستم از برای اهل خود و وقتیکه فوت کرد همسر شما پس ترک کنید ویرا
به رحمت خداوند (ج) (درحق وی دعای خیر کند)

معنی بعضی کلمات :-

١:- خَیْرُکُمْ : بهترین شما

٢:- لِأَهْلِهٖ : برای اهل خود

٣:- مَاتَ : فوت کرد

٤:- صَاحِبُکُمْ : رفیق وهمسر شما

توضیح حدیث :-

ازین حدیث شریف معلوم گردید که فضیلت و بهتری شخص مسلمان در آن است که با زن واهل خود نیکی کرده زندگی خیلی خوب را با ایشان سپری نماید واز بداخلاقی و بدگوئی خود را نگاه دارد .

حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم درحق اهل و زوجات خویش بهترین تمام مردم بود، زیرا که وی حقوق آنها را بوجه کامل ادا می نمود، وهیچ کسی با وی درین امر برابری کرده نمی تواند .

وقتیکه یکی از زوجین (زن وشوهر) بمیرد ازذکر بدی های او خودداری نموده او را برحمت خداوند (ج) سپرده وهم بروی گریه وفغان نه نموده واز صبر وحوصله کار بگیرد .

خداوند (ج) درباره حقوق زنها چنین فرموده است .

وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ۗ . (۱)

ترجمه : (و زنان راست مانند آنچه مردان را بر ایشان است موافق

سوره بقره آیه ۲۲۸

قاعدهٔ شرعی (بوجه پسندیده) و مردان را بر زنان فضلیت است)

این امر حق است چنانچه مردان بر زنان حقوقی دارند زنان نیز بر

ایشان حقوقی دارند. لذا بر طرفین لازم است تا حسب اصول و قواعد

شرعی حقوق یکدیگر را ایفا نمایند. و با وصف فضیلت مردان بر

زنان، برای مردان جائز نیست که با زنان رفتار و رویهٔ بد نموده و یا حقوق

ایشان را تلف نمایند.

فوائد حدیث :-

۱:- بهترین مسلمانان کسی است که با اهل خود رویه و اخلاق نیک داشته باشد.

۲:- پیغمبر صلی الله علیه وسلم در حق اهل خویش بهترین مردم بود.

۳:- اگر زن یا شوهر بمیرد باید دیگر وی را برحمت خداوند (ج) سپرده از یاد کردن بدی های وی صرف نظر نماید و در حق وی دعای خیر کند.

تمرین

۱: - درباره‌ٔ حقوق زن حدیث شریف راکه خوانده اید بگوئید .

۲: - آیتی راکه درباره حقوق زن خوانده اید قرائت نمائید .

۳: - فوائد حدیث شریف راکه درباره‌ٔ حقوق زن خوانده اید بیان نمائید.

شفقت بر اولاد

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهَا : قَالَتْ: جَاءَتْنِي اِمْرَأَةٌ وَمَعَهَا اِبْنَتَانِ لَهَا تَسْأَلُنِي فَلَمْ تَجِدْ عِنْدِي غَيْرَ تَمْرَةٍ وَاحِدَةٍ فَأَعْطَيْتُهَا إِيَّاهَا فَقَسَمَتْهَا بَيْنَ اِبْنَتَيْهَا وَلَمْ تَأْكُلْ مِنْهَا ثُمَّ قَامَتْ فَخَرَجَتْ فَدَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَحَدَّثْتُهُ فَقَالَ مَنْ اُبْتُلِيَ مِنْ هٰذِهِ الْبَنَاتِ بِشَيْءٍ فَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ كُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ. (متفق علیه)

ترجمه : از حضرت عایشه رضی الله تعالیٰ عنها روایت است که گفت: زنی نزد من آمد که با وی دو دختر بود مر او را و از من سوال می کرد. پس نیافت نزد من جز یک خرما پس آنرا بوی دادم. زن مذکور خرما را در بین هر دو دختر خود تقسیم نموده خودش از آن چیزی نخورد بعد از خانه بیرون رفت. بعد از آن حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم داخل شد و من این قصه را به آنحضرت صلی الله علیه وسلم بیان نمودم حضرت پیغمبر صلی الله علیه گفت: کسیکه آزمایش کرده شود از جنس این دختران به چیزی (یکی یا دو یا بیشتر) پس نیکی کند به ایشان، باشند این دختران و نیکی

به ایشان مر آن شخص را پرده از آتش دوزخ .

معنی بعضی از کلمات :-

۱:- جَاءَتْنِیْ : آمد مرا

۲:- ابنتان : دو دختر

۳:- لَمْ تَأْكُلْ : نخورد آن زن

٤:- سِتْراً : پرده مانع

توضیح حدیث شریف :-

ازین حدیث معلوم گردید که کسیکه بر اولاد و دختران خود شفقت و باایشان احسان می نماید و در وقت مشکلات از صبر و حوصله کار می گیرد خداوند(ج)، آنها را برای این شخص از آتش دوزخ پرده و مانع می گرداند، و تعبیر به کلمهٔ (ابتلا) درین حدیث شریف از جهت آنست که وجود دختران در عرف و عادت برای شخص عیب دانسته می شود اما به نزد خداوند جل جلاله چنین نیست چنانچه فرموده است :

وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ. (و شاید که شما خوش ندارید

چیزی را حال آنکه وی بهتر باشد شمارا) پس باید پدران ومادران مطابق به احکام شریعت عمل نموده چنانچه برپسران خود شفقت میکنند درحق دختران خویش نیز از شفقت واحسان کار بگیرند وبین شان فرق نه نمایند.

فائده حدیث :- شفقت براولاد سبب نجات از آتش دوزخ است.

تمرین

۱:- درباره شفقت براولاد ترجمهٔ حدیث شریف راکه خوانده اید بیان کنید.

۲:- فائدهٔ حدیث شریف راکه درباره شفقت براولاد خوانده اید بگوئید.

۳:- معنی کلمات ذیل رابیان نمائید.

اِبْنَتَانِ ، لَمْ تَأْكُلْ ، سِتْراً .

کسب حلال

عَنِ الْمِقْدَامِ بْنِ مَعدِ یْکَرِبَ رَضِیَ اللّٰهُ تعالیٰ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ: مَا اَکَلَ اَحَدٌ طَعَاماً قَطُّ خَیْراً مِنْ اَنْ یَاْکُلَ مِنْ عَمَلِ یَدَیْهِ وَ اِنَّ نَبِیَّ اللّٰهِ دَاوُدَ (ع) کَانَ یَاْکُلُ مِنْ عَمَلِ یَدَیْهِ .

(رواه البخاری) [1]

ترجمه :- از مقدام بن معدیکرب رضی الله تعالیٰ عنه روایت است که گفت: حضرت رسول الله صلّی الله علیه وسلّم فرموده اند: نخورده است هیچ کس .... طعامی را بهتر از آنچه از عمل هر دو دست خود کمائی کرده و بود پیغمبر خداوند (ح) داود علیه السلام که میخورد از عمل دست های خویش. این حدیث را بخاری روایت کرده است

معنی بعضی کلمات :-

۱:- مقدام : نام صحابی است که در شام به عمر نود و یک سالگی وفات نموده است.

۲:- معدیکرب : نام پدر مقدام است .

۳:- ما اکل : نخورده است .

٤:- قطّ : هرگز

٥:- خیراً : بهتر

---

(۱) مشکوة :- باب طلب الکسب الحلال (٢٤١)

توضیح حدیث:

هیچ طعامی پاکیزه تر از حاصل کسب و کار خود انسان نیست. حضرت داود علیه السلام که پیغمبر خداوند (ص) بوده با وصفیکه وظیفهٔ سنگین رسالت را نیز بر دوش داشت از حاصل کسب و کار خود امرار معاش می نمود. کسب داود علیه السلام ساختن زره یعنی لباس جنگ بود. خداوند (ج) برای داود (ع) معجزهٔ داده بود و آن اینکه آهن در دستش مانند موم نرم می گشت و به هر طوریکه آنرا می خواست تاب داده پیوند می کرد. داود (ع) برای بار اول زره را اختراع و آنرا از آهن درست نموده می فروخت، و پول آنرا بمصرف اهل وعیال خود می رسانید.

علماء می گویند: رزق را بطریقهٔ مسنونه باید خورد، وطریقهٔ مسنونه آن است که انسان کسب و کار نموده از حاصل آن بخورد و آنرا از فضل خداوند (ج) بداند نه از زور و توان بازوی خود.(۱) دین مقدس اسلام، مردم را از تنبلی منع نموده و برکسانکه معذور و معیوب

---

(۱) فتوح الغیب

نیستند و قدرت کارکردن را دارند سوال را حرام گردانیده است .

تمرین

۱:- پیشه حضرت داود (ع) چه بوده . ؟

۲:- تحصیل رزق به طریقه مسنونه را بیان نمائید .

۳:- سوال کردن برای کیسکه معذور نباشد چه حکم دارد ؟

آداب طعام خوردن

عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِي سَلِمَةَ (رض) قَالَ: كُنْتُ غُلَامًا فِي حِجْرِ رَسُولِ اللّٰهِ (ص)، كَانَتْ يَدِي تَطِيشُ فِي الصَّحْفَةِ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللّٰهِ (ص): سَمِّ اللّٰهَ وَكُلْ بِيَمِينِكَ وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ (متفق علیه)

ترجمه: از عمر بن ابی سلمه رضی الله عنه روایت است که گفت: که من کودکی بودم تحت تربیت رسول الله صلی الله علیه وسلم. و دستم هنگام طعام خوردن در کاسه به هر طرف حرکت می نمود. پس حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم برایم فرمودند: وقت طعام خوردن بسم الله بگو، وطعام را بدست راست واز پیش روی خود از جائیکه بتو نزدیک است بخور.

معنی بعضی کلمات:-

۱:- غلاماً : پسر خورد.

۲:- حِجر : بغل وکنار. مراد از آن تحت تربیت بودن است.

۳: سَمِّ اللّٰهَ : بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بگو.

توضیح حدیث شریف :-

عمر بن ابی سلمه رضی الله تعالیٰ عنهما پسر حضرت ام سلمه (رض) از شوهر سابق وی ابوسلمه بود که با آنحضرت صلی الله علیه وسلم در خانهٔ مادر خود ام سلمه (رض) زندگی می نمود؛ یعنی پسر اندر رسول الله صلی الله علیه وسلم بود. آنحضرت صلی الله علیه وسلم بوی آداب طعام خوردن را چنین تعلیم نمود :

در وقت طعام خوردن بسم الله الرحمن الرحیم بگوید ، و طعام را با دست راست و از آن طرف کاسه بخورد که بوی نزدیک باشد .

فوائد حدیث :-

۱ :- به کودکان آداب طعام خوردن تعلیم داده شود .

۲ :- در وقت شروع طعام بسم الله الرحمن الرحیم گفتن مستحب است .

۳ :- با دست راست طعام خوردن مستحب است .

٤ :- در کاسه از پیش روی خود طعام خوردن مستحب است .

۵ :- طعام خوردن از آن جانب ظرف که بطرف خود شخص واقع نباشد مکروه است البته میوه جات ازین امر مستثنیٰ می باشد .

آداب آب نوشیدن

عَنْ اَنَسٍ رضی اللهُ تعالیٰ عَنْهُ قَالَ : کان رسول الله (ص)
یَتَنَفَّسُ فی الشَّرَابِ ثَلَاثَةً متفق علیه وَزَادَ مُسْلِمٌ فِی رِوَایَةٍ
وَیَقُوْلُ : اُنَّهُ اَرْوَی وَاَبْرَاُ وَاَمْرَاُ .

ترجمه :- از حضرت انس رضی الله تعالیٰ عنه روایت است گفت که بود
رسول الله صلی الله علیه وسلم که تنفس می کشید هنگام آب نوشیدن سه
مرتبه یعنی در وقت آب نوشیدن سه مرتبه ظرف آب را از دهن خود
جدا ساخته نفس خود را می کشید . مسلم شریف در یک روایت دیگر
چنین زیاد نموده است : و می گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم :
هر آئینه این قسم آب نوشیدن خوب سیر آب کننده ، صحت
دهنده و زیاد خوشمزه و هضم دهنده است .

معنی بعضی کلمات :-

۱:- یَتَنَفَّسُ : تنفس می کرد .

۲:- فِی الشَّرَابِ : در وقت آب نوشیدن .
۳:- اَرْوَی : سخت سیر آب کننده .
٤:- اَبْرَاُ : زیاد صحت دهنده

توضیح حدیث شریف :-

حضرت انس رضی الله تعالیٰ عنه که صحابی جلیل القدر بوده و ده سال خدمت آنحضرت صلی الله علیه وسلّم را کرده است طریق آب نوشیدن آنحضرت صلّی الله علیه وسلّم را چنین بیان می کند : که آنحضرت (ص) آب را به سه مرتبه نفس کشیدن می نوشید، در یک روایت مسلم شریف آمده است که آنحضرت صلّی الله علیه وسلّم می فرمودند : به تحقیق این قسم آب نوشیدن (به سه مرتبه نفس کشیدن) زیاد سیر آب کننده، خیلی صحی، زیاد خوشمزه و هضم دهنده است . یعنی برای انسان فائده زیاد دارد .

فوائد حدیث :-

۱:- نوشیدن آب به سه مرتبه نفس کشیدن مستحب است .

۲: نوشیدن آب به سه نفس برای صحت مفید است .

۳:- نوشیدن آب به سه مرتبه سیر آب کننده است .

آداب مجلس

عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ (رض): قَالَ جَاءَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاَصْحَابُهُ جُلُوْسٌ فَقَالَ: مَالِیْ اَرَاکُمْ عِزِیْنَ. (رواه ابوداود)

ترجمه: از جابر رضی الله تعالیٰ عنه روایت است که گفت: حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم آمد (یعنی از خانه بیرون برآمد) وصحابه وی نشسته بودند پس آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: چرا شما را می بینم که متفرق نشسته و در یک مجلس جمع نشده اید؟

معنی بعضی کلمات :-

۱:- جَاءَ : آمد.

۲:- جُلُوْسٌ : نشسته بودند.

۳:- مَالِیْ اَرَاکُمْ : چرا شما را می بینم

٤:- عِزِیْنَ : متفرقین جدا جدا

---

(۱) مشکوة صفحه ٤٠٥

تشریح حدیث شریف :-

آنحضرت صلی الله علیه وسلّم از خانه بیرون تشریف آوردند. پس صحابهٔ کرام را دیدند که متفرق و جدا جدا حلقه بسته کرده مجلس می نمودند، آنحضرت صلی الله علیه وسلّم چنین مجالس ایشان را که جدا جدا صورت گرفته بود مکروه دانسته و از آن انکار نمود. زیرا که تفرق باعث وحشت و بیگانگی است لذا اصحاب خود را به اتحاد مجلس که نشان یگانگی و اتفاق است ترغیب نمود تا همه در حلقه و صف واحد قرار گیرند.

فوائد حدیث :-

۱:- آنحضرت صلی الله علیه وسلّم تفرق مجلس صحابه را مکروه دانست تا سبب تفرق ایشان نگردد. چنانچه خداوند (ج) فرموده است. وَلَا تَفَرَّقُوا (پراگنده نه شوید)

۲:- آنحضرت صلی الله علیه وسلّم صحابه کرام را به اتحاد مجلس ترغیب نمود تا سبب اتفاق و وحدت ایشان گردد.

۳:- مسلمانان باید کاری انجام دهند که باعث اتفاق ایشان گردد، نه آنکاریکه سبب تفرق ایشان گردد.

تمرین

۱:- حدیثی را که در باره آداب طعام خوردن خواندید قرائت نمائید .

۲:- طریق نوشیدن آب را بیان دارید .

۳:- حدیثی را که در باره آداب مجلس خوانده اید قرائت وترجمه نمائید .

اهداف نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان

هدف عمومی : توحید نمودن نصاب تعلیمی تمام تنظیم های جهادی و بوجود آوردن تعلیم و تربیه خاص وجامع اسلامی که ضد هر نوع باطل پرستی و بدعت ها بوده و همچنین استحکام بخش مفاهیم و قوانین کلی اسلامی در جامعه اسلامی افغانستان باشد .

هدف خصوصی : تدریس توحید و وحدانیت به سپاهیان اسلام و رهروان راه حقیقت است تا متمسک سنن و قوانین عالی و معقول شرع انور بطور دایم و قایم گردند این نصاب متضمن آسایش وسواد اسلامی بادر نظر داشت و جایب و شرایط جهادی، فلسفی، اقتصادی، فرهنگی، تخنیکی، مدنی و معیشتی بوده و درعین حال ممثل پیوند و اتصالات ناگسستنی باجهان اسلام و مبین فلسفه مقدس اسلام عزیز می باشد .

هدف نهائی : اعلای کلمة الله، نشان دادن عظمت و شان اسلام به جهانیان اضمحلال کمونیزم درافغانستان و جهان و مبارزه باطاغوطیان زمان بر اساس مبانی و اصول قوانین قرآن عظیم الشان شریعت غرای محمدی و فقه حنیف حنفی در راه حصول رضای خداوند (ج) می باشد .

((وَمِنَ اللهِ التَّوفِيقُ))

این کتاب رایگان توزیع می گردد خرید و

فروش این کتاب ممنوع میباشد.

سال طبع حمل ۱۳۷۰ تعداد طبع (۱۰۰۰۰)

مدیریت نصاب مرکز تعلیمی